

الزامات بسط و کاربست تدابیر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

در تحقق تمدن نوین اسلامی

محسن عابدی درجه^۱

چکیده

در این تحقیق با معرفی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در پنج بخش مبانی، آرمانها، رسالت، افق و تدابیر و مراحل پنج گانه تحقق تمدن نوین اسلامی شامل انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی؛ به تبیین کلی تدابیر این الگو پرداخته شده و الزامات مورد نیاز جهت بسط و گسترش این الگو بیان شده است. با توجه به گذشت حدود سیزده سال از ابلاغ سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور و عدم تحقق جامعه و دولت اسلامی و همچنین تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در راستای نیل به همین مراحل، در این پژوهش الزامات مورد نیاز جهت کاربست این الگو در تحقق تمدن نوین اسلامی با گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. اما شکل‌گیری جامعه و دولت اسلامی نیازمند انقلاب در دو وجه ساختارها و کارگزاران می‌باشد. وجه اول انقلاب در ساختارها است. به این معنا که نظامات و ساختارها بر اساس آموزه‌های دینی در آن بازنگری اساسی شود تا با کارایی و اثربخشی زیاد بتوانند به نحوی واقعی موتور محرکه انقلاب را همچون پیشرانی قدرتمند، با سرعت به جلو حرکت دهند. وجه دوم این انقلاب متوجه کارگزاران و مدیران دولتی است. این امر نیازمند تغییر سبک زندگی کارگزاران این ساختارهاست. در واقع، تغییر سبک زندگی از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب بر اساس راهبردهای ترسیم شده می‌تواند این امر را میسر سازد.

واژه‌های کلیدی

الگو، اسلامی - ایرانی، توسعه، پیشرفت، تمدن نوین اسلامی

۱ - مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که به منظور تحقق اهداف متعالی اسلام و حاکمیت نظم اسلامی در کشور و صدور آن به اقصی نقاط جهان شکل گرفت، خلاء وجود نظام‌های مختلف در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و

۱ - دانشجوی دکتری، جغرافیای سیاسی، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، Abedi.mohsen.dor@ut.ac.ir

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اجتماعی، امنیتی، محیط زیست، فناوری و دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی محسوس بود. پس از فراغت حاکمان کشور و در رأس آنها مقام معظم رهبری از تحولات سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی، تدوین اساس و مبنای تئوریزه شدن شئون مختلف یک جامعه اسلامی در دستور کار سیاست‌های کلی نظام قرار گرفت، تا نیل به تشکیل تمدن نوین اسلامی را تسهیل نماید. اما دو دیدگاه کلی در بین سیاستمداران کشور حکمفرما بود، دیدگاه اول که منشعب از افکار حضرت امام خمینی^(ع) و مقام معظم رهبری و شهیدان بهشتی، مطهری، مفتاح و همفکران آنها بود که مبنای آن پایه‌ریزی نظامات کشور بر اساس اصول اسلامی، پیشرفت و عدالت بود. و دیدگاه دوم؛ منشعب از افکار لیبرال مآبانه و روشنفکرانه افرادی نظیر هاشمی رفسنجانی و همفکران وی بود. افکار گروه دوم در ابتدای انقلاب اسلامی با کمی اختلاف با افکار گروه اول در یک راستا بود؛ اما با گذشت زمان و بر اساس مبنای فکری برخی کارشناسان حاضر در گروه دوم که عمدتاً در دانشگاه‌های خارج از کشور فارغ‌التحصیل شده بودند و همچنین سفرهای خارجی برخی از سیاستمداران به کشورهای توسعه یافته در شرق و غرب عالم، رفته رفته تفکر توسعه به هر قیمت در بین گروه دوم نضج یافت. وجه تمایز این دو گروه اعتقاد گروه اول به پیشرفت و عدالت و اعتقاد گروه دوم به توسعه پایدار با قبول نتیجه نظام طبقاتی بود. ماحصل دیدگاه اول اعتقاد به تشکیل تمدن نوین اسلامی در بلند مدت و استقلال مبنای تئوری و عملی کشور از غرب و نتیجه تفکر دوم وابستگی و پیروی از روش‌ها و نظریه‌های توسعه غربی و دست نیافتن به تمدنی مخصوص به خود می‌باشد. به عبارت دیگر، از منظر غرب توسعه و از دیدگاه اسلام پیشرفت را اگر حرکت از «وضعیت موجود» به «وضعیت مطلوب» بر اساس «راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب» تعریف نمائیم؛ الگو، برنامه و طراحی است که بر مبنای آن می‌توان چرخ‌های گوناگون کشور نظیر اقتصاد، فرهنگ، علم و فناوری و همچنین رفتارهای سیاسی، اجتماعی و کارکردهای امنیتی و محیط‌زیستی و غیره را با گام‌هایی بلند به پیش راند. در واقع، با طراحی استراتژی پیشرفت در سه بازه زمانی «کوتاه مدت»، «میان مدت» و «بلند مدت» و بازوردگیری مستمر و مداوم می‌توان به شتاب فزاینده این الگوی پیشرفت، سرعت بخشید. همچنین افق و چشم‌انداز ۵۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۴۴ این است که از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته شود و دارای ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی ایرانی باشد. لیکن باید این واقعیت را پذیرفت که در زمان کنونی و پس از مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی شکل گرفت، اما هنوز دولت، جامعه و کشور ما اسلامی نشده و تا این سه مرحله شکل

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت دوم و بیت سوم خردادماه ۱۳۹۸

نگیرد، دستیابی به تمدن نوین اسلامی امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا دغدغه محقق این است که الزامات بسط و گسترش و همچنین کاربست تدابیر و سیاست‌های کلی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت چیست؟ و چگونه این روند به تمدن نوین اسلامی منجر خواهد شد؟

۲- روش تحقیق

گردآوری این تحقیق مسبوق به مطالعات منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی- پژوهشی، استفاده از آیات قرآن کریم و برخی از فرمایشات مقام معظم رهبری است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و از حیث نوع، توسعه‌ای-کاربردی است.

۳- مفاهیم و مبانی نظری

۳-۱- تمدن (Civilization) و تمدن نوین اسلامی

تمدن به معنای کلی عبارت است از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی. وقتی می‌گوئیم ساخته‌های انسانی، مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد، بنابراین ساخته انسانی در برابر ساخته طبیعت قرار می‌گیرد (شریعتی، ۱۳۸۹: ۵). از نظر هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷). تمدن از نظر لغوی عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهرنشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و به طور خلاصه روش‌ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (مجیرشیبانی، ۱۳۳۷). در ادبیات فارسی، تمدن به معنای همکاری افراد جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انس گرفتن با آداب و اخلاق شهریان بکار می‌رود (معین، ۱۳۷۵). علت نیاز بشر به تمدن در طبع خود بشر نهفته است، و چون بشر مدنی‌الطبع است، حتماً نیازمند حیات اجتماعی است و این حیات اجتماعی را تمدن می‌گویند. واژه تمدن و واژه فرهنگ یا Culture واژه‌هایی هستند که عملاً به همدیگر پیچیده‌اند. طاهرزاده به نقل از فردریک بارنارد می‌نویسد: «در مواردی تکامل روحی یا معنوی انسان را با فرهنگ یکی دانسته‌اند، و در مواردی با تمدن. گاهی از فرهنگ به عنوان جزء خاصی از تمدن بحث می‌شود و گاهی نیز فرهنگ را لفظی کلی‌تر محسوب کرده‌اند و حال آن که تمدن

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و سوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به فرهنگ شهرها محدود شده است.» در مجموع شاید بتوان این طور گفت که «فرهنگ» همان مبادی فکر می‌باشد که منشأ حرکات افراد می‌گردد، که در بحث ما اسلام به عنوان مبادی فکری مورد نظر است و در مورد «تمدن» از یک جهت با اسپینگلا هم عقیده هستیم که می‌گوید: «تمدن، ظهور نهایی فرهنگ است» و از یک جهت به اصل واژه Civilization یا مدنیت و توجه به شهری و جمعی بودن طبع انسان می‌نگریم (طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۲۴). همچنین تاملین معتقد است مقصد تمدن انسانی ایجاد مناسبات انسانی است به این معنا که هرگاه جامعه‌ای شکل گیرد و در آن مناسبات انسانی ایجاد شود و این مناسبات استعداد و قریحه خدادادی انسان را شکوفا کند می‌توانیم آن را تمدن بنامیم (تاملین، ۱۳۸۵: ۴۹). ویل دورانت در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. تمدن دارای چهار رکن و عنصر اساسی است که شامل: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، و کوشش در راه معرفت و بسط هنر می‌شود» (دورانت، ۱۳۹۰: ۳). شهید مطهری نیز ضمن انتقاد از تمدن غربی که در آن به ارزش‌های حقیقی انسان توجهی نمی‌شود، تمدن حقیقی را مجموعه‌ای بر می‌شمارد که ابتدا «کمال و استعدادهای انسان را تعریف کند و بعد کمال جامعه را که همان کمال انسان است مشخص کند که جامعه در چه نظامی می‌تواند انسان را به نهایت استعدادهای خودش، به کمال فرهنگی خودش، به کمال معنوی خودش برساند» (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۴۲). هنری لوکاس، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶: ۱۶-۷). «تمدن اسلامی» یعنی نوعی از زندگی که انسان‌ها بتوانند به تمام ابعاد مادی و معنوی خود به کامل‌ترین شکل جواب دهند (طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۳۴). به لحاظ تاریخی نیز تمدن اسلامی به عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ بشری حاصل مبانی دین اسلام و باور به آن‌ها بوده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۶) شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین در آمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدن عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند» (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۴-۱۳). تمدن نوین اسلامی از رهگذر بازخوانی مجدد تمدن اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان و بازسازی مفهومی و عملی نظام اعتقادی اسلام قابلیت آن را دارد که در دوران گذار در نظام بین‌الملل به نقش آفرینی در هندسه جدید قدرت جهانی بپردازد. نظر به این که اسلام نه محدود به مکانی خاص و نه مختص به طبقه‌ای خاص است بلکه متعلق به تمامی بشریت با افقی وسیع

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

است تا برادری انسانی تحقق بخشد، تمدن نوین اسلامی که بر نظام اعتقادی اسلام و آموزه‌های آن برای تحقق وظایف مختلف دینی متناسب با دنیای جهانی شده استوار است، قابلیت آن را دارد که دستورات، سنت‌ها و آیین ناشی از مجموعه اعتقادات اسلامی را فارغ از هر گونه تبعیض نژادی، قومی و زبانی تحقق بخشد. تمدن نوین اسلامی ضمن تحکیم اخوت و برادری همه گروه‌های قومی و نژادی، این امکان را برای آنان فراهم می‌آورد که با یکدیگر در زمینه‌های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی همکاری کنند و به توسعه زندگی فکری و فرهنگی خود در سطح فراملی اقدام نمایند (دهشیری، ۱۳۹۴: ۹۵). تمدن یک واژه عربی است که از ریشه مدینه و به معنای شهر و شهرنشینی گرفته شده و به معنای به سوی عقل و انسانیت و نظم دادن به امور زندگی و به اخلاق شهری گرائیدن تفسیر شده است (زمانی، ۱۳۴۸). واژه تمدن قرابت بسیار زیادی با واژه مُدُن در مفهوم سیاست مُدُن، یکی از سه زیربخش حکمت عملی دارد. در واقع می‌توان گفت در سیاست مدن، امورات سیاسی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهر و کشور توسط مدیران و سیاستمداران در جهت نیل به پیشرفت همراه با عدالت طرح‌ریزی و اجرا می‌گردد.

۳-۲- مفهوم توسعه و توسعه پایدار

«توسعه» تغییراتی است که زندگی همه ما را در جهت مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف مطلوب توسعه، بهبود کیفیت زندگی مردم در همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی، کالبدی و فضایی می‌باشد (آسایش و استعلاجی، ۱۳۸۲: ۹). «توسعه»، فرآیند بهبودبخش به کیفیت زندگی همه مردم است (اسماعیل زاده، ۱۳۸۲: ۱۶). «توسعه» را می‌توان تکامل سطح زندگی و رسیدن به شرایط آرمانی در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانست که تحقق مفاهیم آزادی، عدالت، پویایی اجتماعی، توسعه انسانی و رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به همراه می‌آورد. همچنین توسعه را کشف روش‌های دستیابی به حرکتی تکاملی به شمار می‌آورند که پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را متعادل و متوازن می‌سازد و شرایطی نوین را برای پویایی اجتماعی، اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی فراهم می‌کند (زاهدی‌اصل، ۱۳۸۱: ۵). پس از این که غرب به این نتیجه رسید که مفهوم توسعه، فراگیر و همه‌جانبه نبوده و تمامی ابعاد زندگی بشری را شامل نمی‌شود؛ واژه توسعه پایدار را جایگزین نمود.

در کل می‌توان گفت از توسعه پایدار تعریف‌های متعددی شده است؛ اما جامع‌ترین و کامل‌ترین تعریفی که از توسعه پایدار شده است، همان تعریف مربوط به کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، معروف به کمیسیون برانت‌لند

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

می باشد: «توسعه پایدار، توسعه‌ای است که ضمن آن که به نیازهای کنونی پاسخ‌گوست، توانایی‌های نسل‌های آینده را برای پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های‌شان به مخاطره نمی‌اندازد» (G.Haughton, C.Hunter, 1994: 115). با تغییر مفهوم توسعه به توسعه پایدار و ورود آن به ادبیات سیاسی باز هم مشکلات قبلی در حوزه یک یا چند جنبه‌گرایی این واژه حل نشد، هر چند پژوهشگران ایرانی تعاریف و مفاهیمی کامل‌تر از آن چیزی که غربی‌ها داشتند، ارائه نمودند، ولی این تکامل تعریف‌ها هم پاسخ‌گوی تمام نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها نبود. برخی از این تعاریف عبارتند از: از نظر لغوی، «توسعه پایدار» معادل واژه (Sustainable Development) و به معنای توسعه‌ای است که می‌تواند به طور نامحدود یا در یک دوره زمانی مشخص ادامه یابد. توسعه پایدار، روندی است که بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری به سوی عدالت اجتماعی باشد و در جهت آلودگی اکوسیستم و تخریب محیط طبیعی نباشد (ملکی، ۱۳۸۲: ۳۷). «توسعه پایدار» عبارت است از تأمین نیازهای کنونی جامعه بدون آن که توانایی‌های نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند (نادری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳). به عبارتی می‌توان بیان نمود که مفهوم توسعه پایدار؛ یعنی توسعه‌ای که از نظر زیست محیطی، غیرمخرب؛ از نظر فنی، مناسب؛ از نظر اقتصادی، ماندگار و از نظر اجتماعی، قابل پذیرش باشد؛ به طوری که توسعه پایدار در یک محیط یا کشور با در نظر گرفتن توان بوم‌شناسی نیروی انسانی، فناوری و منابع مالی متعلق به آن محیط یا کشور و در خور آن می‌تواند تحقق یابد و چنان توسعه‌ای تنها در محیط یاد شده با هماهنگی ۴ عامل فوق پایدار خواهد بود (درویش و رهبر، ۱۳۸۴: ۲۱). تاکنون تعاریف زیادی از توسعه پایدار ارائه شده است که هر کدام به یک یا چند جنبه از توسعه پایدار و برخی نیز به کلیه جنبه‌های آن توجه نموده‌اند. واژه پایداری در زبان فارسی معادل sustainable انگلیسی به کار رفته، که از لفظ لاتین sustainer به معنای نگهبانی و پشتیبانی کردن اخذ شده است. در این زمینه پایداری می‌تواند به معنای حمایت و پشتیبانی از وضعیتی مطلوب یا بر عکس دوری جستن از وضعیتی نامطلوب باشد (اذانی، ۱۳۸۱: ۱۴). رابرت آلن توسعه پایدار را توسعه‌ای تعریف کرده است که هدف آن ارضای مستمر نیازها انسانی و به‌سازی کیفیت زندگی انسان‌ها در جامعه است (سلطانی عرب‌شاهی، ۱۳۸۳: ۱۵۸). در نهایت این که اندیشه جدید توسعه پایدار مبتنی بر آن است که بر پایه تفکر سیستماتیک و نظام‌یافته، همه چیز در محیط زیست و در پیوند با یکدیگر در نظر گرفته شود. از این‌رو، لازم است هر پدیده توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی متأثر از هم مورد بررسی قرار گیرد (رحیمی، ۱۳۸۰: ۱۴۰). توسعه پایدار فرآیند توسعه‌ای است که از

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نظر اقتصادی پویا و پربازده، از نظر زیست‌محیطی، غیرمخرب، از نظر اجتماعی، عادلانه و قابل قبول و از نظر فن‌آوری متناسب و مطلوب باشد (خاتون‌آبادی، ۱۳۸۴: ۳). توسعه پایدار، فرآیند حفاظت و نگهداری از سیاره زمین و بوم‌سازان موجود در آن که به توسعه انسانی مطلوب و عادلانه منجر می‌شود، است (یوسفی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۷). توسعه پایدار در حقیقت تعادل میان توسعه و محیط زیست است. این مفهوم را اولین بار به‌طور رسمی براندرت‌لند در سال ۱۹۸۷ در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح کرد (مکنون، ۱۳۷۶: ۵). در این گزارش، هدف از توسعه پایدار، رفع نیازهای نسل حاضر بدون تضییع توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای‌شان است و از این تعریف ساده و مبهم؛ سندی از کنفرانس ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه به‌عنوان یک طرح کار توسعه پایدار برای قرن ۲۱ بیرون آمد. (Roseland, 1997: 200) هدف اصلی توسعه پایدار، نگهداری یا افزایش دارایی‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی برای نسل‌های آینده همراه با به حداقل رساندن مصرف منابع محدود و عدم تجاوز به ظرفیت قابل تحمل اکوسیستم‌ها است (گراکوسیان، ۱۳۸۲: ۲۶).

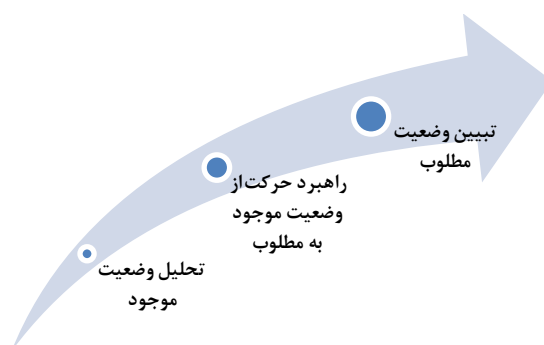
۳-۳ - مفهوم پیشرفت

واژه پیشرفت اولاً: بومی و قابل فهم است، نه وارداتی، و بار معنایی ناسازگار با مبانی و ارزش‌های اسلامی را ندارد. ثانیاً: توسعه مفهومی ایستا و پیشرفت مفهومی پویا دارد. توسعه به یک وضعیت مطلوب گفته می‌شود، پیشرفت به حرکت رو به هدف گفته می‌شود (مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۲۱). واژه پیشرفت معادل واژه توسعه در ادبیات علمی کلاسیک و مرسوم است. توسعه ترجمه کلمه Development است و از ادبیات علمی غرب به عاریت گرفته شده است. در این ادبیات توسعه‌یافتگی و راهبردهای توسعه مبتنی بر دئیسم، شکاکیت یا انکار خداوند، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه، تفسیر و تعیین می‌شود. علت انتخاب واژه پیشرفت به جای توسعه، احتراز از بار بینشی و ارزشی همراه واژه توسعه است. در تعریفی عام که بر اساس همه بینش‌ها و منش‌ها درست است، پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. بر این اساس، الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد: ۱- تحلیل وضعیت موجود؛ ۲- تبیین وضعیت مطلوب؛ ۳- راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. الگوهای پیشرفت، دست کم در یکی از این سه با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز جهان بینی حاکم بر این الگوهاست؛ چیزی که از آن با عنوان متاپارادایم

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت دوم و بیت سوم خردادماه ۱۳۹۸

الگوهای توسعه یاد می‌شود. در یک نگاه کلان با ردّ عقائد پوزیتیویست‌ها، علوم انسانی سه وظیفه فوق را بر عهده دارند. علوم انسانی در بخش اثباتی به وظیفه دوم و در بخش هنجاری یا دستوری به وظیفه اول و سوم می‌پردازند. علوم انسانی موجود، این سه وظیفه را از طریق تئوری‌هایی انجام می‌دهند که غالباً مبتنی بر جهان‌بینی و ارزش‌های غیراسلامی است (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۷۰-۶۲).

شکل ۱: سیر منطقی الگوی پیشرفت؛ (منبع: نگارنده)



۴- بحث و یافته‌های تحقیق

۴-۱- توسعه یا پیشرفت

تفاوت‌های دیدگاهی که درباره پیشروی یک جامعه به سمت اهداف ترسیم شده ممکن است در همه جوامع با تنوع فکری در میان متفکران و نظریه پردازان وجود داشته باشد. در جمهوری اسلامی ایران نیز در میان سیاستمداران و تصمیم‌گیران نیز تفاوت‌هایی وجود دارد، اما ساختار جمهوری اسلامی ایران به نحوی ترسیم شده که کارگزاران کشور در حوزه امور راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی خود موظف هستند از سیاست‌های کلی نظام تبعیت داشته باشند. اشاره کردیم که دو دیدگاه در خصوص توسعه و پیشرفت وجود دارد: دیدگاه اول که منشعب از افکار حضرت امام خمینی^(ع)، مقام معظم رهبری و شهیدان بهشتی، مطهری و مفتاح و غیره بود که مبنای آن پایه‌ریزی نظامات کشور بر اساس اصول اسلامی، پیشرفت و عدالت بود. و دیدگاه دوم؛ منشعب از افکار لیبرال مآبانه و روشنفکرانه افرادی نظیر هاشمی رفسنجانی و همفکران وی بود. وجه تمایز این دو دیدگاه اعتقاد گروه اول به پیشرفت و عدالت و اعتقاد گروه دوم به توسعه پایدار با پذیرش نتیجه نظام طبقاتی است. در همین رابطه مقام معظم رهبری در بیاناتی که در

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نخستین نشست اندیشه راهبردی در دهم آذرماه سال ۱۳۸۹ داشتند، فرمودند: «اولاً کلمه «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احياناً ما با آن التزامات همراه نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جا افتاده متعرف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بی‌اوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم، این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». معادل معنای فارسی پیشرفت را می‌دانیم؛ می‌دانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است» (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۵). یکی از تفاوت‌های اساسی بین توسعه و پیشرفت را می‌توان از متن الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در بخش آرمان‌ها بیان نمود. برای مثال غرب مفهومی را تحت عنوان توسعه پایدار مطرح کرده است. حال آن که ما در رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، حقوق تمام جانداران و غیرجانداران را مطالعه می‌نمائیم. مجموعه وظایف ما در قبال نسل آینده، جغرافیای آینده، و حیوانات و منابع آینده که در این رساله بیان شده؛ غرب به شکلی جزئی در قالب مفهوم توسعه پایدار تعریف کرده است. در بخش آرمان‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیز بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت تعریف شده است.

۴-۲- دیدگاه‌های غربی و آسیب‌های الگو برداری از روش‌های غربی

اشپینگلر تاریخ تمدن بشر را مجموعه‌ای از آغازها، فرازها و زوال‌ها می‌داند و غرب را هم از این قاعده مستثنی نمی‌بیند. در نظریه اشپینگلر فرهنگ غرب از اول قرن دهم میلادی شروع و از قرن نوزدهم وارد مرحله «تمدن» شده است. این فرهنگ از بعضی جهات به اوج عظمت خود رسیده است و در بعضی از نقاط جغرافیایی آن، آثار فرسودگی نمایان شده و به تدریج در آینده‌ای نزدیک در نقاطی مانند اروپا و آمریکا و در تمام رشته‌های حیاتی آنان، دوره انحطاط آغاز خواهد شد. غرب با همه عظمت و بزرگی که چشم جهانیان را خیره ساخته است به دنبال رومیان و چینیان خواهد رفت (امید، ۱۳۸۳: ۱۳۵). در این نظریه نیز با توجه به ویژگی‌های بارز تمدن غربی ناشی از دین‌گریزی و انسان‌مداری پایان تمدن غربی محتوم دانسته شده گرچه اشپینگلر همچون توین‌بی پایانی دینی برای تمدن غربی پیش‌بینی نکرده است. اما اشتراک آن با نظریه تمدنی اسلام در فروپاشی تمدن غربی است که ادعای

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جهان شمولی و بقای همیشگی دارد (خزاعی و رجبی‌دوانی، ۱۳۹۴: ۸۳). دیدگاه‌های ذکر شده به جز نظریه هانری کربن که به توصیف نگاه شیعه به پایان تاریخ پرداخته و همچنین اسپینگر که تمدن غرب را در حال نابودی ارزیابی نموده است با وجود اختلافات جزئی در تحلیل پایان تاریخ و سرنوشت بشر و با وجود تفاوت‌های ظاهری، در اصل نظریه، باطن و ریشه‌ای یکسان دارند؛ یعنی در همه این نظریه‌ها پایان جهان از آن لیبرال دموکراسی دانسته شده است. از نظر اینان لیبرال دموکراسی یگانه قبله‌گاه بشر خواهد بود و همه انسان‌ها بر آستان آن سر خواهند سایید. تا آنجا که می‌توان گفت در این اندیشه (توین‌بی) موعود، شخص خاصی نیست، بلکه موعودی که قرار است لیبرال دموکراسی را در تمام جهان حاکم کند و برای تمام انسان‌ها رهایی‌بخش باشد، ایالات متحده آمریکا است (اسلامیه، ۱۳۸۵: ۲۶). بدین سان می‌توان نتیجه گرفت که چهار اندیشه و چهار فلسفه اخیر که در غرب مورد فرجام تمدن‌ها ارائه شده؛ یعنی نظریه تافلر، هانتینگتون، فوکویاما و گوینو، همه خصلتی واگرایانه و یکسان‌انگارانه دارند و با باور به ماندگاری و جهانی شدن تمدن غرب بخش‌های زیادی از فرهنگ‌ها، سنت‌ها و مذهب‌های پیرامون خود را نادیده می‌گیرند و به همین دلیل، واقع‌بینانه نیستند (خزاعی و رجبی‌دوانی، ۱۳۹۴: ۸۵). البته دیدگاه‌های دیگری نیز با رویکردی متفاوت با نظریات فوق و با نگاهی واقع‌بینانه‌تر در غرب وجود دارد، اسپینگر و توین‌بی در نظریه ادواری و پیاپی‌آیی تمدن‌ها بر این باورند که تمدن غربی، خود به خود، در اواخر قرن بیستم به پایان خود نزدیک خواهد شد. البته در قرن پسین، بدبینی بیشتر به صورت اعتقاد به فساد تمدن موجود و زایش تمدن جدید و نوین در آمده است (برنتون و کریستوفر، ۱۳۵۷: ۵۵۳). با کمی تأمل در نظریات اندیشمندان غربی می‌توان دریافت که خود آن‌ها با گذشت زمان بی پایه و اساس بودن نظرات خود را با واقعیات موجود دریافته‌اند و در یک اضطراب و پریشانی به سر می‌برند، به گونه‌ای که فهم درستی از پایان تاریخ مصرف نظریات خود دارند، اما تحمل قبول نظرات دینی را ندارند.

۴-۳- الگوی اسلام برای آینده تمدنی در جهان

از آنجایی که نظریه تمدنی قرآن کریم اساس و مبنای تمام نظریه‌های متفکران و دانشمندان مسلمان و منشأ کلیه تبیین‌ها در خصوص تمدن اسلامی است، آیاتی چند از قرآن را در این خصوص بیان می‌کنیم: خداوند در سوره طه در خصوص زندگی به ظاهر جذاب کافران، پس از بیان عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان و عدم تخلف از سنت‌های خود، لزوم چشم ندوختن به زرق و برق تمدن‌های ناپایدار و سُست را یادآور می‌شود: «و لا تمدنّ عینیک

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی مشرف؛ الگوی مشرف؛ پشوران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

الی ما متّعنا به ازواجاً منهم زهره الحياه الدنيا لفتنهم فيه و رزق ربك خیر و ابقى»؛ و هرگز چشم به متاع ناچیزی که به قومی از آن‌ها داده‌ایم می‌فکن، که این‌ها زینت زندگی دنیا و وسیله‌ای برای امتحان آن‌ها است؛ و رزق پروردگار تو بهتر و پاینده‌تر است (قرآن کریم، طه: ۱۳۱). همان‌طور که می‌بینیم خداوند در این آیه تمدن‌های زودگذر کشورهای قدرتمند را جهت امتحان صاحبان زر و زور و رزق خود که همانا تمدن اسلامی است را بهترین و استوارترین متاع معرفی می‌نماید. همچنین در مورد تمدن‌های غیرتوحیدی می‌فرماید: «و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لَمَّا ظلموا...»؛ ما اقوام پیش از شما را به کیفر ظلمشان به دست هلاکت سپردیم (قرآن کریم، یونس: ۱۳)، و می‌فرماید: ملت‌های قبلی را با تمام اراده و جدیتی که داشتند جهت ظلمی که مرتکب شدند هلاک کردیم، برای این که در راستای هدف خلقت خود عمل نکردند. خداوند خلافت خودش در زمین را این چنین به مومنان نوید می‌دهد: «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون»؛ خدا به کسانی که ایمان آورده‌اند و نیکوکاری کرده‌اند، وعده فرموده است که آن‌ها را در زمین خلافت دهد، همچنان که پیشینیان را جانشین گرداند، و علاوه بر این دین‌شان را که برای‌شان پسندیده، برای آنان استوار سازد، و سپس خوف‌شان را به امنیت و آرامش تبدیل می‌سازد آن گونه که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت، و آنان که بعد از این کافر شوند، به حقیقت همان فاسقانند. (قرآن کریم، نور: ۵۵). قرآن کریم صالحان را وارثان زمین می‌داند: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون»؛ همانا بندگان شایسته من وارث زمین خواهند شد (قرآن کریم، انبیاء: ۱۰۵)، همچنین از اراده خداوند در خصوص پیشوائی و وارث شدن کسانی صحبت می‌کند که در دنیا به استضعاف کشیده شده‌اند و می‌فرماید: «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»؛ و اراده کردیم بر کسانی که در آن سرزمین ضعیف داشته شده بودند منت گزاریم، و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم، و ایشان را وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم (قرآن کریم، قصص: ۵). خداوند در آیاتی به قدرت رسیدن جبهه توحیدی و مستضعف را از مصادیق وعده خویش مبنی بر پیروزی حق بر باطل بیان می‌نماید: «قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً»؛ بگو: حق آمد و باطل نابود شد، حقاً که باطل نابود شدنی است (قرآن کریم، اسراء: ۸۱). «قل جاء الحق و ما یبوء الباطل و ما یعید»؛ بگو: حق آمد و باطل نابود شد، و یارای بازگشتش نیست (قرآن کریم، سبأ: ۴۹). از دیدگاه اسلام، حرکت و مسیر تاریخ به سوی عبودیت و حاکمیت

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ارزش‌ها و متعالی شدن انسان است و اگر غیر از این می‌بود، حرکت تاریخ امری لغو و پوچ می‌نمود، هر چند در این حرکت فراز و فرودها، موانع و چالش‌هایی وجود داشته باشد (کارگر، ۱۳۶۸: ۴۵). ایدئولوژی اسلامی به ویژه از نوع شیعی آن آینده جهان را نه در دست حکومت‌ها، قدرت‌ها و تحولات اجتماعی و سیاسی دانسته، و نه فرجام آن را جبری می‌داند، بلکه جهان را صرفاً با ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان دارای فلسفه و آینده می‌داند (خزاعی و رجبی‌دوانی، ۱۳۹۴: ۸۹). به حکم ضرورت آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پُر از عدل و داد شده و با صلح و صفا، هم زیستی نماید و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند. البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود. رهبر چنین جامعه‌ای منجی جهان بشری و به لسان روایات مهدی (عج) خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۸).

۴-۴- دیدگاه مقام معظم رهبری نسبت به تمدن نوین اسلامی

به اعتقاد مقام معظم رهبری، تمدن غربی در قالب «نظام سلطه» و بر اساس قدرت و علم خود و خوی استکباری توانسته است جهان را به سیطره خود در آورد و جاهلیتی نوین را ایجاد کند. به اعتقاد ایشان، پیشرفت علمی غرب نتوانسته است مایه رستگاری مردمان باشد. ایشان در تبیین علت این که علم مایه رستگاری در تمدن غربی نگردیده، درباره جدایی علم از دین در غرب صحبت می‌کنند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹-۲۹). ایشان در جایگاه فقیهی که رهبری حکومت اسلامی را بر عهده دارند، به موضوع تمدن اسلامی توجه کرده‌اند. در اندیشه ایشان، برای حل مشکلات جهان اسلام باید با یک «جنبش نرم‌افزاری» به تولید علم پرداخت و مقدمات ایجاد تمدن نوین اسلامی را در آینده ایجاد کرد. همان‌طور که در تاریخ گذشته اسلام نیز «تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳). ایشان نیز نگاهی آینده‌نگر و تمدن‌گرا به مسائل جهان اسلام دارند و قائل به رسالتی اساسی برای جمهوری اسلامی ایران در این حوزه هستند (فریدی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). به اعتقاد ایشان «ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم ... مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسأله این است که ملت ایران (همچنان که شأن اوست) در حال پدید آوردن یک تمدن است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳). ایشان از منظری آینده‌نگرانه، تشکیل دولت اسلامی را مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن اسلامی دانسته‌اند. به اعتقاد ایشان «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

تشکیل دادیم، مرحله بعد، تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد، تشکیل کشور اسلامی است و مرحله بعد، تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳). ایشان لازمه تمدن سازی را دستیابی به علم و فن آوری دانسته‌اند و بر اهمیت فکر و نیروی انسان تأکید نموده‌اند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴). بدین ترتیب، می‌توان گفت در اندیشه ایشان چشم انداز پیش روی جمهوری اسلامی ایران برای آینده، به دنبال تشکیل تمدن است. این تمدن، بُعدی بین المللی دارد که دستیابی به آن، مستلزم طی چهار مرحله راهبردی یعنی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی و تشکیل کشور اسلامی است. آنگاه با تشکیل یک کشور که به تمام معنا اسلامی باشد، این کشور الگویی برای سایر جوامع اسلامی خواهد بود و نظایر آن در دنیا تشکیل می‌گردد و جهان، شاهد تمدن نوین اسلامی خواهد شد. تمدنی که در آن علم، قدرت و ثروت در خدمت رستگاری و تحقق عدالت در جامعه بشری خواهد بود و در آن علم و معنویت، توأمان خواهند بود. به اعتقاد ایشان، لازمه تحقق تمدن یاد شده، تقوای فردی و جماعت و امت و دستیابی مسلمانان به قله‌های علمی در حوزه جهانی است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹-۲۹). اما باید گفت که بنا به فرمایشات ایشان ما فقط از دوران انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی گذشته‌ایم و با گذشت چهل سال از انقلاب، هنوز در مرحله سوم یعنی تشکیل دولت اسلامی باقی مانده‌ایم.

۴-۵- الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

الگو، به معنی سرمشق، مُقتدی، أسوه، قدوه، مثال و نمونه می‌باشد (دهخدا، ۱۳۸۸: ۲۵۵). الگو، معادل کلمه مدل Model در زبان انگلیسی است. «یک مدل، یک الگو، طرح، معرفی (به ویژه کوتاه)، یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است» (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۶۳). در واقع الگو را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد، دکترین، سرمشق‌ها، راهبردهای کلی، نمونه‌ها، مدل‌ها، رویه‌ها و مواردی شبیه به این دانست که پیش‌نیاز انجام فعالیت‌های جزئی و کلی و برای کارهایی که قرار است با برنامه‌ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت کند و بخواهد به اهداف پیش‌بینی شده دست یابد، تعریف کرد (مختاریان‌پور، ۱۳۹۵: ۱۲). مقام معظم رهبری نیز الگو را این چنین تعریف می‌کنند: «الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای این که آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد با آن الگو تطبیق داده شود» (وکیلی، ۱۳۹۲: ۱۱۳۶-۱۱۲۵). از طرفی دیگر الگو را می‌توان، تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل، البته قابل دست یافتن (جامعه مطلوب) دانست. الگو باید

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها و خطوط درشت و نقشه راه باشد (مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۱). اگر الگویی قید اسلامی و ایرانی را داشته باشد، شروط لازم و کافی آن وجود ویژگی‌ها و مشخصاتی است که از منظر اسلامیت و ایرانیت به آن اضافه شده باشد. لذا بخش مبانی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شامل شش زیربخش: مبانی خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی، و دین‌شناختی است. این الگو در زیربخش مبانی خداشناختی اساس و محور حیات فردی و اجتماعی مومنان را محور قرار دادن خداوند و توحید بیان می‌نماید و از صفات او یکتایی، رحمانیت، رحیمیت، علیم و حکیم و غنی و ربّ و هادی و شارع و مالک و حاکم و عادل و واسع و ولی و حامی بودن است. همچنین در زیربخش جهان‌شناختی اعتقاد به غیب و شهود، مراتب روحانی و مادی، دنیوی و اخروی، نظام علی و معلولی حاکم بر جهان، جهان محل عمل و آزمایش و در خدمت انسان بودن جهان مادی جهت تکامل و تعالی معنوی از آموزه‌های آن است. در زیربخش انسان‌شناختی دستیابی به مقام قرب و خلیفه الهی، ساحات جسمانی و روحانی انسان، ابعاد فطری انسان شامل خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های متعالی، کمال و سعادت اختیاری انسان، حیات پس از مرگ، توجه به حقوق انسان و اجتماعی بودن او از آموزه‌هایی است که برای شناخت انسان معرفی شده است. در خصوص زیربخش جامعه‌شناختی، جامعه را به عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، ساخت‌یافتگی جامعه مبتنی بر فرهنگ، خانواده به عنوان بنیادی‌ترین واحد جامعه، تأثیر سنن الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر بر جامعه، حاکمیت سنت‌های الهی در جامعه، تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناورانه در تغییرات اجتماعی، ابتدای جامعه دینی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی، جهت‌گیری تاریخ به سوی آینده‌ای پیشرفته در تمام ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان، تقوا و رهبری امام معصوم (علیه السلام) و پیشرفت حقیقی از مبانی جامعه‌شناختی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد. زیربخش مبانی ارزش‌شناختی آن نیز مشتمل بر ریشه ارزش‌ها در واقعیت و ثابت، مطلق و جهان‌شمول بودن اصول، اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت قابل شناسایی و تفصیل آن از طریق کتاب و سنت، جریان ارزش‌ها در ساحت‌های ارتباطی انسان با خدا، خود و خلق و خلقت و همچنین ارزش‌ها را موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی قابل تحقق می‌داند. در زیربخش دین‌شناختی، دین کامل، جهان‌شمول و نهایی را اسلام و مبلغان آن را پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) و

هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

این که دین دستگاهی جامع معرفتی - معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی نازل شده، هماهنگی اسلام با نظام هستی و سرشت انسان با نقشی بی‌بدیل در تأمین نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی مورد تأکید اسلام است و وحی، مایه شکوفایی عقل محسوب می‌شود. هر الگویی یک سری از آرمان‌هایی دارد که مبتنی بر مبانی آن الگوست. آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت‌دهنده پیشرفت است. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی. همچنین این رسالت الگو؛ حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران می‌باشد. درباره الگوی اسلامی - ایرانی؛ مقام معظم رهبری در بیاناتی که در نخستین نشست اندیشه راهبردی در دهم آذرماه سال ۱۳۸۹ فرمودند: «در خصوص «ایرانی» بودن الگو؛ شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد. این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آن چه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین این الگو ایرانی است. از طرف دیگر، «اسلامی» است؛ به خاطر این که غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

شکل ۲: منابع اسلامی تولید الگوی اسلامی - ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ (منبع: نگارنده)



بنابراین اسلامی هم به این مناسبت است. البته این که ما می‌گوئیم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه، ما برای به‌دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه آن چه که در دنیای معرفت وجود دارد و می‌شود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد» (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۵). الگوی پیشرفت همان «برنامه‌ریزی بلندمدت» برای یک دوره ۵۰ تا ۱۰۰ ساله است؛ چرا که برنامه‌ریزی عبارت است از «یک جریان آگاهانه انتخاب و تعیین اولویت‌ها به منظور تصمیم‌گیری در مورد آوردن آینده به زمان حال، تا بتوان با تعیین هدف‌های درست و انتخاب مسیر مناسب و تعیین فعالیت‌های اثربخش جهت تحقق هدف‌های یادشده، کاری برای آن انجام داد. برنامه‌ریزی چیزی نیست جز شناخت دقیق و صحیح وضع موجود در تعیین فرایند رسیدن به وضع مطلوب که در آن باید تعیین کرد چه فعالیتی و کاری؟ چگونه و با چه روشی؟ از سوی چه کسی یا سازمانی؟ با کمک چه کسانی یا سازمان‌هایی؟ در کجا؟ در چه زمانی؟ با چه هزینه‌ای؟ و با چه وسایل و ابزار و منابعی؟ انجام شود تا از وضع موجود به وضع مطلوب در آینده دست یافت (قاضی‌زاده، ۱۳۸۸: ۷).

۴-۶- عرصه‌های نظام‌سازی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

عرصه‌های پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: عرصه فکر، عرصه علم، عرصه زندگی نظیر امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون و حکومت و عرصه چهارم عرصه معنویت است که از همه مهم‌تر و روح و نتیجه همه این‌هاست (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۷). از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه در معنای کلی در چهار زیرمجموعه اشاره دارد که عبارتند از: توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی (ازکیا،

۱۳۷۷: ۲۱-۱۸). به طور کلی، عرصه‌های نظام‌سازی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارتند از: عرصه اقتصاد، عرصه سیاست، عرصه فرهنگ و اجتماع، عرصه علم و فناوری، عرصه نظامی و امنیتی و عرصه محیط زیست.

شکل ۳: عرصه‌های نظام‌سازی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: (منبع: نگارنده)



۴-۷- بسط و کاربست حکمت عملی اسلام در تحقق تمدن نوین اسلامی

در پایان دهه سوم انقلاب، مقام معظم رهبری با ابلاغ سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران به سران قوا و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، افق روشن ایران را در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی ترسیم نمودند. در این سند قرار بود ایران با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل باشد. این سند مقارن با برنامه‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم توسعه بوده و خواهد بود. لیکن با گذشت ۱۳ سال از اجرایی شدن این سند و تدوین و اجرای سه برنامه توسعه در این مدت، در عمل سیاست‌ها و خواسته‌های کلان نظام در این برنامه‌ها تدوین و اجرا نشده است. به همین دلیل مقام معظم رهبری از آنجایی که دغدغه این مسئله را دارند و این امر نیز محقق نشد، در سال جاری با ابلاغ پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تمامی محققان و پژوهشگران کشور را جهت ارائه نظرات سازنده بسیج نمودند. از سوی دیگر، در دین مبین اسلام معارف و آموزه‌هایی است که این امر را محقق می‌نماید. در دین اسلام علاوه بر فلسفه یا حکمت

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نظری، فلسفه و حکمت عملی نیز راهگشای فعالیتها و کارکردهای سیاسی حکومتها است. در همین رابطه شهید مطهری نظریه پردازان انقلاب اسلامی در خصوص حکمت کارکردهای سیاسی دین می نویسد: «فلسفه یا علم عقلی بر دو قسم است: نظری و عملی. «فلسفه نظری» درباره اشیا آن چنان که هستند بحث می کند، و «فلسفه عملی» درباره افعال انسان آنچنان که باید باشد، بحث می کند. فلسفه عملی نیز به نوبه خود تقسیم می شود به علم اخلاق، علم تدبیر منزل و علم سیاست مُدُن» (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۲۹-۱۲۸). از فلسفه عملی با مفهوم حکمت عملی هم یاد می شود. «حکمت عملی» مسئولیت بایدها و نبایدها را بر عهده دارد و به همین دلیل جنبه «تجویزی» به خود می گیرد. جهان بینی مربوط به حوزه نظر است و هدفش افزایش شناخت و معرفت است اما حکمت عملی به عمل مربوط است و مقصود از آن به دست آوردن راهبردها و راهکارهای عملی به منظور بکارگیری در زندگی افراد بشر می باشد. این بایدها و نبایدها گاه در قالب قوانین و قواعد حقوقی رخ می نمایند و گاه در قالب دستورات اخلاقی، گاه به شکل فردی ارائه می شوند و گاه از جنبه ای اجتماعی، گاه خود را در قامت «اخلاق» می سازند، گاه به عنوان «تدبیر منزل» و گاهی هم به عنوان «سیاست مُدُن» جلوه گر می گردند. حکمت عملی سازنده بشر، مدیر جامعه بشری و به سعادت رساننده بشر است به لحاظ رعایت هماهنگی با جهانی که خداوند با ما و برای ما آفریده و آن فطرتی که در شریعت اسلام هم دستور داده شده است، همان فطرت الله که باید با آن هماهنگ بود و با آن پیش رفت و در نهایت به سعادت رسید (بهزادی مقدم، ۱۳۹۴: ۲۴۵). هر سه قسم حکمت عملی شامل: اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن با تغییر سبک زندگی موجود (که شباهت زیادی به سبک زندگی غربی دارد) به سبک زندگی اسلامی می تواند سازنده و پیشرفت دهنده جامعه و دولت اسلامی در ابعاد مختلف باشد. این امر در سه سطح امکان پذیر می باشد: سطح فردی که با تغییر سبک زندگی افراد و نهادینه نمودن اخلاق حسنه محقق خواهد شد. سطح خانوادگی و اجتماعی که با تغییر سبک زندگی تک تک اعضای یک خانواده و با مدیریت همسران تحت عنوان تدبیر منزل فراهم می گردد. و در نهایت سطح سیاسی شهر و کشور که با تغییر سبک و ارزش های جامعه و دولت به سمت دستورات و آرمانها و ارزش های دینی در قالب سیاست مُدُن جامعه عمل خواهد پوشید. اما این تغییرات نیازمند به ثمر نشستن انقلابی دیگر در انقلاب اسلامی است. انقلابی که در دو وجه ساختارها و کارگزاران صورت پذیرد. انقلاب در ساختارها، به این معناست که نظامات و ساختار و سازمان نهادهای دولتی بر اساس آموزه های دینی در آن بازنگری اساسی انجام شود و وزارتخانه ها، سازمانها، نهادها و سایر ساختارهای موجود با کارایی و اثربخشی زیاد بتوانند به

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت دوم و بیت سوم خردادماه ۱۳۹۸

نحوی واقعی موتور محرکه انقلاب را همچون پیشرانی قدرتمند و با سرعت به جلو حرکت دهند. این امر نیازمند تغییر سبک زندگی کارگزاران این ساختارهاست. در واقع وجه دوم این انقلاب متوجه کارگزاران و مدیران دولتی می‌باشد.

تمدن اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که بتوانیم اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مبتنی بر اسلام را در همه روابط زندگی فردی و اجتماعی خود استقرار و عینیت بخشیم؛ یعنی بتوانیم جلوه‌هایی از اعتقادات و ارزش‌های دینی را در معماری، شهرسازی، نحوه سازماندهی امور جامعه، روابط درونی خانواده‌ها، غذا خوردن، لباس پوشیدن و مناسبات اجتماعی مشاهده کنیم. همین‌طور مصادیقی از آن را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی مسلمانان ببینیم (بنیانیان و علی‌احمدی، ۱۳۹۳). به طور کلی می‌توان گفت با تغییر سبک زندگی از وضعیت موجود به سمت و سوی وضعیت مطلوبی که اسلام برای یک جامعه و حکومت اسلامی ترسیم نموده می‌توان مقدمات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را رقم زد.

شکل ۴: سطوح حکمت عملی در تغییر سبک زندگی و تحقق تمدن نوین اسلامی؛ (منبع: نگارنده)



۵ - نتیجه

توسعه از منظر غرب و پیشرفت از دیدگاه اسلام را اگر حرکت از «وضعیت موجود» به «وضعیت مطلوب» بر اساس «راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب» معرفی نمائیم؛ الگو، برنامه و طرحی است که بر مبنای آن می‌توان چرخ‌های اقتصاد، فرهنگ، علم و فناوری و همچنین رفتارهای سیاسی، اجتماعی و کارکردهای امنیتی و محیط‌زیستی کشور را با گام‌هایی بلند به پیش راند. در واقع، با طراحی استراتژی پیشرفت در سه بازه زمانی «کوتاه مدت»، «میان مدت» و «بلند مدت» و بازخوردگیری مستمر و مداوم می‌توان به شتاب فزاینده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را برای به ثمر نشستن در نیم قرن آینده سرعت بخشید، به نحوی که جمهوری اسلامی ایران در شمار چهار

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته شود و دارای ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی ایرانی باشد. در این راستا در عرصه نظام‌سازی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با نظام‌سازی و انقلاب در ساختارها در حوزه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع، علم و فناوری، مباحث نظامی و امنیتی و محیط زیست می‌توان حرکتی جهشی داشت. لیکن این اتفاق مهم با تغییر در سبک زندگی نتیجه خواهد داد. حکمت عملی با مولفه‌های اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن با تغییر سبک زندگی موجود به سبک زندگی اسلامی می‌تواند سازنده و پیشرفت دهنده جامعه و دولت اسلامی در ابعاد مختلف باشد. این امر در سه سطح امکان‌پذیر می‌باشد: سطح فردی که با تغییر سبک زندگی افراد و نهادینه نمودن اخلاق حسنه محقق خواهد شد. سطح خانوادگی و اجتماعی که با تغییر سبک زندگی تک‌تک اعضای یک خانواده تحت عنوان تدبیر منزل فراهم می‌گردد. و در نهایت سطح سیاسی شهر و کشور که با تغییر سبک و ارزش‌های جامعه و دولت به سمت دستورات و آرمان‌ها و ارزش‌های دینی در قالب سیاست مُدُن جامعه عمل خواهد پوشید.

فهرست مراجع

(۱) کتاب‌ها

- قرآن کریم. (۱۳۸۳). ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ دوم، پاییز، قم: انتشارات خوشرو.
- آسایش، حسین و علیرضا استعلاجی. (۱۳۸۲). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، چاپ اول، دانشگاه آزاد اسلامی ری. ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: موسسه نشر علم.
- آمید، مسعود. (۱۳۸۳). درآمدی بر فلسفه تاریخ، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- برینتون، کرین و جان کریستوفر. (۱۳۵۷). تاریخ تمدن غرب و مبانی آن در شرق، ترجمه: پرویز داریوش، تهران: سلوچ.
- تاملین، فردریک. (۱۳۸۵). گزیده آثار توین‌بی. ترجمه: محمدحسین آریا، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خاتون‌آبادی، سید احمد. (۱۳۸۴). جنبه‌هایی از توسعه پایدار (از اندیشه تا کنش)، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). لغت‌نامه دهخدا، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- دورانت، ویل. (۱۳۹۰). مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه: احمد آرام، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هشتمین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگویی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۱). مبانی رفاه اجتماعی، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.

زمانی، مصطفی. (۱۳۴۸). اسلام و تمدن جدید، قم: انتشارات علمیه.

سبحانی، محمد قاسم. (۱۳۹۷). فرماندهی و مدیریت اسلامی، چاپ سوم، بهار، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز باقرالعلوم (علیه السلام).

سلطانی عرب شاهی، محسن. (۱۳۸۳). مدیریت توسعه، (رشته مدیریت)، تهران: انتشارات استادی.

شریعتی، علی. (۱۳۸۹). تاریخ تمدن، جلد اول، تهران: نشر قلم.

طاهرزاده، اصغر. (۱۳۸۹). تمدن زایی شیعه، چاپ اول، اصفهان: لب المیزان.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). شیعه در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

کارگر، رحیم. (۱۳۶۸). جستارهایی در مهدویت، قم: مرکز تخصصی مهدویت.

لوکاس، هنری (۱۳۶۶). تاریخ تمدن، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: کیهان.

مجیر شیبانی، نظام الدین. (۱۳۳۷). تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی، تهران: دانشگاه تهران.

معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.

مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). فلسفه تاریخ، جلد اول، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). کلیات علوم اسلامی، جلد اول، منطق - فلسفه، چاپ سی و سوم، فروردین، انتشارات صدرا، قم.

هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه: مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

(۲) مقالات

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳). دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان ۱۳۸۳/۸/۵ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۳). پیام نوروزی سال ۱۳۷۳ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴). دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اسلامیه، حمیدرضا. (۱۳۸۵). دکترین مهدویت و پایان تاریخ از منظر رنه گنون، مجموعه آثار دومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، تهران: موسسه آینده روشن.

بنیانیان، حسن و علیرضا علی‌احمدی. (۱۳۹۳). گفتگو، تحقق سبک زندگی اسلامی ایرانی ضرورتی گریزناپذیر در نیل به تمدن اسلامی، فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی صدر، شماره ۱۱ و ۱۲.

بهزادی‌مقدم، محمدرضا. (۱۳۹۴). تمدن، تبلور حکمت عملی مومن، حکیم در عمل، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.

جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۹۴). مبانی دینی تمدن از منظر اسلام، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.

خزاعی، علی و محمدحسین رجبی‌دوانی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی فرجام‌شناسی تمدنی، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.

درویش، محمد و اسماعیل رهبر. (۱۳۸۴). آموزش پژوهش‌های بیابان و بیابان‌زایی، مجله جنگل و مرتع، شماره ۴۲.

دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۴). تمدن نوین اسلامی؛ بنیادها و چشم‌اندازها، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.

رحیمی، حسین. (۱۳۸۰). نقش فرهنگ در توسعه پایدار، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۱۲-۱۱.

فریدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.

قاضی‌زاده، سیدضیاءالدین. (۱۳۸۸). ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان‌های نظامی، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۴.

کلانتری، عبدالحسین؛ حسن ناصر خاکی و نجمه نجم. (۱۳۹۲). نظام معنایی گفتمان «اسلام‌سازی علم»، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۲ (۴)؛ ۵۹-۲۹.

گراکوسیان، آنا. (۱۳۸۲). آینده پایدار بسازیم، سال چهارم، شماره ۱۵، تهران: مجله سبز.

مختاریان پور، مجید. (۱۳۹۵). مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دو فصلنامه علمی-پوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان، صص ۳۰-۱۰.

مصباحی‌مقدم، غلامرضا. (۱۳۸۹). گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دیماه، صص ۲۲۵-۲۲۱.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- مکنون، رضا. (۱۳۷۶). تحقیقات در فرآیند توسعه پایدار، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۷.
- ملکی، سعید. (۱۳۸۲). شهر پایدار و توسعه پایدار شهری، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۰۲.
- میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۸۹). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی سازی علوم انسانی، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دیماه، صص ۶۱-۷۵.
- نادری، مهدی؛ کریم کلانتری؛ خلیل حسینی و دیگران. (۱۳۸۸). تحلیل محتوای میزان مطابقت سیاست‌های برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پس از انقلاب با الگوی توسعه پایدار، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۳.
- وکیلی، سعید. (۱۳۹۲). هندسه طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت دفاعی، مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۱۳۶-۱۱۲۵.
- یوسفی نژاد، مجید. (۱۳۸۰). بررسی دیدگاه‌های مدیران منابع طبیعی نسبت به توسعه پایدار، ماهنامه جنگل و مرتع، شماره ۵۰.

(۳) پایان نامه‌ها

- اذانی، مهدی. (۱۳۸۱). توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی شهر اصفهان، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه اصفهان.
- اسماعیل‌زاده، حسن. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی توسعه فضایی شهرستان بناب، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مراجع انگلیسی

- Houghton, G. C. (1994). Managing Sustainable Urban Development, Averbury Studies in Green Research.
- Roseland, M. (1997). Dimension of eco-city, Cities. 14(4): 197- 202.